



۱۳۳۷
 تهران
 خیابان
 شماره
 تلفن
 ۱۳۳۷
 تهران
 شماره
 تلفن

تاریخ ترمیم کفش

نویسنده: شرمین ناصری
 تصویرگر: نعیم تدین



WWW.KOTAB.IR

چاپخانه
 شماره
 تلفن
 تهران

سرشناسه: نادری، شرمین، ۱۳۵۵ -
 عنوان و نام پدیدآور: تاریخ مستطاب کفش نویسنده
 شرمین نادری؛ تصویرگر: نعیم تدین
 مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۳۰۸-۷
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: کفش‌ها - داستان
 Shoes - Fiction: موضوع
 موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی - قرن ۱۴
 Short stories, Persian -- 20th century: موضوع
 شناسه افزوده: تدین، نعیم، ۱۳۵۹ - تصویرگر
 رده بندی کنگره: PIR۸۳۶۲
 رده بندی دیویی: ۸۵۲/۴۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۶۲۱۶۸۷۹



تاریخ مستطاب کفش

نویسنده: شرمین نادری
 تصویرگر: نعیم تدین
 ویراستار: سعید متین
 مدیر هنری: فرشاد رستمی
 طراح گرافیک: فائزه فغفوری
 چاپ اول: ۱۳۹۹
 تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۳۰۸-۷



آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی.
 صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰ info@hoopa.ir www.hoopa.ir
 • همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.
 • استفاده‌ی بخش‌هایی از متن کتاب، فقط برای نقد و معرفی آن مجاز است.

فهرست

- ۱۱..... مقدمات
- ۱۳..... قصه‌های من و کفش‌های عمو جانم
- ۳۸..... ماجراهای پیرهنی مردم
- ۵۲..... ماجرای کفش گریباید
- ۶۰..... پدیده‌ای به نام کفش‌دردها
- ۷۲..... تاریخ کفش بابوی پای باستان، مردی زده
- ۸۷..... قصه‌ی مردهایی که کفش پاشنه‌دار می‌پوشیدند
- ۱۰۱..... آن‌ها که اولین بار کفش دوختند، کی بودند و چرا دوختند؟
- ۱۱۱..... به نظر تان چند جور کفش ایرانی داریم؟
- ۱۳۸..... کفش آخر لنگه به لنگه است یا تابه‌تا؟
- ۱۴۱..... فهرست منابع

مقدمه

وقتی ما بچه بودیم، کلاس تاریخ یکی از حوصله‌سربرتین کلاس‌های عالم بود حتی خود معلم‌های تاریخ هم از آن‌همه عدد و سال جنگ‌ها و پیروزی‌ها و چیز می‌دانیم همه اسم و لقب جنگجویان تاریخی خوابشان می‌گرفت.

یادم نمی‌آید معلم حوصله کرده باشد و برای ما قصه‌ای گفته باشد یا حتی سعی کرده باشد از عبارات خودش کمی چاشنی به آن درس‌های بی‌مزه بزند.

شاید همین هم بوده که بالاخره وقتی خودم معلم شدم، سعی کردم برای هر اتفاق تاریخی و یا درباری هر شخصیت جدید و خشکی یک داستان بامزه تعریف کنم؛ قصه‌ای که خودم به چشم دیدم یا کسی تعریف کرده یا حتی در کتابی آمده، اما هنوز توی کتاب‌های بررسی‌نوشته نشده یا شاید هیچ‌وقت هم نوشته نشود. قصه‌های ساده‌ای درباری کفش و کلاه و حتی سیبل آدم‌هایی که روزگاری بخش مهمی از تاریخ ما را ساختند و فقط کافی است حوصله داشته باشیم و کمی

دنبالشان بگردیم تا درس تاریخ هم کمی شیرین تر شود. این کتاب اما کتاب تاریخ نیست، یعنی اصلاً هیچ ادعایی هم ندارد. کتاب قصه‌ای است که شما را با آن داستان‌های قشنگ و آن بخش‌هایی از اوقات روزگار گذشته که به نظرم جذاب و دوست‌داشتنی‌اند، آشتی می‌دهد.

امیدوارم با کتاب من دچار خمودگی و خمیازه و خستگی نشوید و یک روزی هم بنویسید و قصه‌های حقیقی روزگار خودتان را بنویسید، گیرم که کمی هم نیک و فاضل خیالات قاتل‌اش کنید... می‌دانید که چه می‌گویم.